

## نقش پای روس‌ها در منازعه‌ی افغانستان

دولت افغانستان در حالیکه با ایالات متحد آمریکا پیمان امنیتی را امضا و با پیمان ناتو تعهد استراتژیک دارد، در این روزها چشم امید زمامداران آن بیشتر از واشنگتن به کرملین دوخته شده است. در میان زمامداران، جنرال عبدالرشید دوستم، معاون اول ریاست جمهوری پیشتر از همه و به دنبال آن وکلای مجلس و ریاست اجرائیه و در این روزها آقای اشرف غنی با زبان خاص خودش از آن کشور خواهان هلیکوپترهای جنگی Mi35، تسلیحات سبک و سنگین گردیده است. چشم امید به روسیه کار امروزین برای زمامداران کشور به شمار نمی‌رود، پیش از وی این شیوه چندین بار توسط رئیس جمهور سابق تکرار شد. بازی دو دوزه و یا بالشت دوسره، به ویژه در شرایط بحرانی، بخشی از کارنامه‌ی سیاستگران قومی در افغانستان پس از شکل‌گیری استعمار بوده است.

روس‌ها که پس از ۱۷۱۷ میلادی و حمله به خیوه به توسعه‌طلبی در آسیای مرکزی آغاز و به ویژه در قرن ۱۹ وارد میدان بازی بزرگ و رقابت با استعمار انگلیس گردیدند، با رویای رسیدن به آب‌های گرم بحر هند، اولین بار با دوست محمد وارد معامله شدند. دوست محمد در سال ۱۸۳۸ به امید کمک از روسیه با متحدش انگلیس از در مخالفت وارد و در نتیجه برای بار اول پای ارتش انگلیس را به کابل کشانید. او پس از مایوسی از روس و برگشت...

صفحه‌ی ۲

سال دوم، یکشنبه، ۱۰ عقرب ۱۳۹۴ هجری خورشیدی، ۱ نوامبر ۲۰۱۵ میلادی

شماره‌ی ۵۶

## مهم هفته

## هواپیمای مسافربری روسیه با بیش از ۲۰۰ مسافر در مصر سقوط کرد

دفتر نخست‌وزیری مصر تأیید کرده که یک فروند هواپیمای مسافربری روسیه با بیش از ۲۰۰ مسافر در شبه جزیره‌ی سینا سقوط کرده است. این هواپیما از نوع ایرباس ای ۳۲۱ بوده و در حال بازگشت از شرم‌الشیخ در دریای سرخ به سن پترزبورگ بود.

مقام‌های امنیتی مصر گفته‌اند که هیچ نشانه‌ی مینی بر هدف قرار دادن هواپیما وجود ندارد. لاشه‌ی هواپیما هم مشاهده شده اما شرایط ناگوار آب و هوایی مانع از رسیدن گروه‌های امدادی به مناطق کوهستانی سقوط هواپیما شده است.

همه‌ی مسافران این هواپیما، گردشگران روسی بودند. گزارش شده که ۲۱۷ مسافر و هفت خدمه‌ی پروازی در این هواپیما بودند. ۱۷ نفر از مسافران کودک بودند. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه دستور داده تا در مورد سقوط این هواپیما تحقیق شود. این هواپیما در اختیار شرکت هواپیمایی کالیاموبا بود که در غرب سبیری مستقر است.

سازمان هواشناسی روسیه گفته است که این هواپیما ساعت ۵:۵۱ صبح به وقت مسکو از شرم‌الشیخ پرواز کرده و قرار بود ساعت ۱۲:۱۰ در فرودگاه سن پترزبورگ فرود آید.

## طالبان راه‌های

## ارتباطی شش ولسوالی در پکتیا را بسته‌اند

مقام‌های محلی در ولایت پکتیا در جنوب شرق کشور می‌گویند که شورشیان وابسته به گروه طالبان با منجر کردن قسمتی از یک کوه، راه‌های ارتباطی ۶ ولسوالی این ولایت را بسته‌اند. این انفجار در دو منطقه‌ی موسوم به تنگه‌ی شوات و تنگه‌ی سورکی در شرق پکتیا روی داده و به گفته‌ی مقام‌های محلی مشکلات زیادی برای ساکنان این ۶ ولسوالی ایجاد کرده است.

لجه منگل، جاجی آریوب، سمکنی، احمد خیل، پتان و جانی خیل، ولسوالی‌هایی هستند که مسیر ارتباطی آنها بسته شده است.

گفته می‌شود که نیروهای امنیتی افغان که برای بازکردن مجدد این مسیر به منطقه رفته بودند با حمله‌ی شورشیان طالب مواجه شدند و در حال حاضر درگیری شدید میان دو طرف ادامه دارد.

به گفته‌ی مقام‌های امنیتی قرار بود نیروهای دولتی عملیاتی را در این منطقه راه‌اندازی کنند، اما طالبان پیش از آغاز عملیات مسیر را مسدود کردند. گروه طالبان تا کنون در این رابطه چیزی نگفته است.

ولایت پکتیا در جنوب شرق افغانستان با پاکستان هم‌مرز است و شورشیان مسلح مخالف دولت در مناطقی از آن فعال هستند.

## آیا حکمتیار بر می‌گردد؟



کھ — بهرام آمونبایی

گلبدین حکمتیار از منزوی‌ترین رهبران جهادی است که در تمامیت‌خواهی و خشک‌فکری مشهور است. این ویژگی شخصیتی او سبب شده تا بسیاری از یاران هم‌فکر و همراهش از او جدا شوند و با پیوستن به دولت کابل برای خود مقام و منصبی دست و پا کنند.

حزب اسلامی‌یی که زمانی حکمتیار "امیر" تام و تمام‌اش بود امروز به چند شاخه تقسیم شده و تنها بخشی از این حزب در دستان او باقی مانده است؛ شاخه‌یی که همچنان بر طبل جنگ و جهاد علیه "اشغالگران" می‌کوبد. اما شاخه‌ی حکمتیار هیچ جبهه‌ی قوی و نیرومند در گوشه و کنار کشور ندارد و هنوز دست به هیچ عملیات گسترده و تهاجمی علیه اهداف دولت افغانستان نزده است.

کھ..... آزاد

بخش نخست

## پیرامون جنگ جاری



اقصای نقاط دیگر از سوی طالبان، نشان می‌دهد که این نیروی اهریمنی به ساحات وسیع جغرافیایی دست یافته که از آن مناطق به عنوان پایگاه و امکانات استفاده و با بسیج نیرو اقدام به تهاجم جنگی می‌نمایند.

بالمقابل دولت افغانستان و اعضای هم‌پیمان آن (ناتو) که دارای ارتش منظم، قرارگاه‌های دایمی و منابع امکالاتی اند، در واقعیت امر بخشی از راه‌های امکالاتی، ساحات جغرافیایی و زیر اداره‌شان را از دست داده و یا آنرا توسط دست‌های نامرئی به دشمن تسلیم کرده‌اند. نکته‌ی اساسی در این موضوع است که آیا طالبان بعد از مرحله‌ی تدارک و آمادگی و گذار از جنگ پارتیزانی...

صفحه‌ی ۳

طالبان طی چندین سال، جنگ پارتیزانی، انتحار، انفجار و مین‌گذاری را شیوه‌ی اساسی برای ایجاد رعب و وحشت در سرلوحه‌ی برنامه‌ی نظامی شان قرار داده بودند، اما در این روزها این رویکرد تغییر و به یک جنگ تمام عیار مبدل گردیده است.

این شیوه به معنای آن نیست که جنگ پارتیزانی کامل از نظر این گروه دور بوده و از آن به حیث ابزار فشار کار گرفته نمی‌شود، بلکه جنگ پارتیزانی در خدمت جنگ جبهه‌ی آنان قرار داشته و با استفاده از آن رویکرد از جنگ جبهه‌ی پشتیبانی و در ساحات مختلف آثرا حمایت می‌نمایند.

شکل‌گیری جنگ منظم در قندز، غزنی، فاریاب، هرات، هلمند و

## آیسا: سرمایه‌گذاری در افغانستان ۲۶ درصد کاهش یافته‌است

دلار افزایش یافته‌است.

## وضعیت سرمایه‌گذاری در کابل بهتر است

به گفته‌ی رئیس آیسا با توجه به اینکه وضعیت سرمایه‌گذاری در ولایت‌های افغانستان نگران‌کننده‌است، ولی در ولایت کابل وضعیت سرمایه‌گذاری نسبت به سال گذشته بهبود یافته‌است. آقای حقیقو گفت که در ۹ ماه امسال ۲۷۳ میلیون دلار در کابل سرمایه‌گذاری شده، در حالیکه میزان سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۱۴ به ۹ ماه به ۲۴۹ میلیون دلار می‌رسید و امسال ده درصد افزایش را نشان می‌دهد. این مقام افغانستان می‌گوید که سرمایه‌گذاری خارجی نیز در ولایت کابل ۲۱۸ درصد افزایش یافته‌است. میزان سرمایه‌گذاری خارجی در کابل در سال ۲۰۱۴ حدود ۳۹ میلیون دلار بود که امسال به ۱۲۶ میلیون دلار رسیده‌است.

## دلیل کاهش سرمایه‌گذاری

به گفته‌ی مسوول آیسا از سال ۲۰۱۱ به بعد میزان سرمایه‌گذاری در افغانستان هر ساله سیر نزولی داشته است. آقای حقیقو می‌گوید که عدم ثبات سیاسی و اقتصادی و ابهام اوضاع اقتصادی و سیاسی در افغانستان باعث شده که میزان سرمایه‌گذاران رو به کاهش باشد. به گفته‌ی او طولانی شدن روند انتخابات ریاست جمهوری گذشته و به درازا کشیده شدن معرفی کابینه‌ی دولت وحدت ملی، باعث شده که شمار زیادی از سرمایه‌گذاران جرئت سرمایه‌گذاری نکنند. نبود امنیت سراسری به گفته‌ی آقای حقیقو چالش دیگری بر سر راه سرمایه‌گذاری در افغانستان بوده که افزایش حملات نیروهای مخالف دولت، حملات انتحاری و ربودن افراد باعث شده که سرمایه‌گذاران با ترس و احتیاط، اوضاع را دنبال کنند.

رئیس اداره‌ی حمایت از سرمایه‌گذاری افغانستان، آیسا، اعلام کرد که بررسی این نهاد نشان می‌دهد که در ۹ ماه گذشته سال جاری میلادی میزان سرمایه‌گذاری نسبت به ۹ ماه اول سال ۲۰۱۴ میلادی ۲۶ درصد کاهش یافته است. قربان حقیقو، در یک نشست خبری در کابل گفت که در ۹ ماه سال گذشته ۶۱۱ میلیون دلار در افغانستان سرمایه‌گذاری شده بود ولی امسال این میزان به ۴۴۸ میلیون دلار کاهش یافته‌است. او افزود که بیشترین کاهش در بخش ساختمان است که در سال ۲۰۱۴ حدود ۲۰۰ میلیون بود و امسال به ۸۳ میلیون دلار کاهش یافته که ۵۸ کاهش را نشان می‌دهد.

به گفته‌ی آقای حقیقو، بخش صنعت نیز شاهد کاهش ۲۵ درصدی سرمایه‌گذاری بوده که در سال گذشته ۱۰۸ میلیون دلار در آن سرمایه‌گذاری شده بود و امسال به ۸۱ میلیون دلار رسیده‌است. او گفت که در بخش زراعت نیز سرمایه‌گذاری از ۱۷ میلیون به ۱۴ میلیون دلار کاهش یافته که ۱۲ درصد کاهش را نشان می‌دهد. آقای حقیقو با اشاره به اینکه در بخش خدمات نیز ۹۶۳ درصد، سرمایه‌گذاری کاهش یافته، گفت که مقدار سرمایه‌گذاری در این بخش از ۲۲۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۴ میلادی به ۱۹۹ میلیون دلار در سال جاری رسیده‌است. او گفت که سند هفت سرمایه‌گذاری بزرگ که در زمان حکومت حامد کرزی، رئیس‌جمهوری پیشین قرار بود امضا و طی مراحل شود، به "حکومت وحدت ملی" واگذار شد که تاکنون این قراردادها امضا نشده‌اند. آقای حقیقو، گفت که سرمایه‌گذاری بزرگ دیگری در بخش معادن نشده و در بخش‌های کوچک نیز سرمایه‌گذاری نسبت به سال گذشته ۶ درصد بیشتر و میزان سرمایه‌گذاری در این بخش از ۶۵.۳ میلیون دلار به ۶۹.۵ میلیون

## گپ مردم



### به داد زلزله‌زدگان برسید!

ب. آذری

در حالیکه به گفته‌ی مقام‌های حکومتی، تا هنوز ۱۱۵ تن در اثر زمین‌لرزه‌ی اخیر کشته، ۵۵۶ تن مجروح و ۷۶۳۰ باب خانه ویران شده است (از نظر تلفات انسانی، ولایت کنر زیاده‌ترین کشته را دارد و بیشتر منازل هم در بدخشان تخریب شده است، اما به گفته‌ی مقام‌ها، این آمار ممکن است پس از رسیدگی کامل تیم‌های بررسی‌کننده به مناطق زلزله‌زده بیشتر شود). آسیب‌دیدگان این رویداد مرگبار در شماری از ولایت‌ها شاکی اند که هنوز کمک‌های دولت و نهادهای خیریه‌ی بین‌المللی به آنها نرسیده است. این در حالیست که نهادهای امداد‌رسان جهانی هشدار می‌دهند، سردی هوا ممکن است سبب مرگ بی‌خان‌ومان‌شدگان، به ویژه کودکان و کهن‌سالان شود. به گفته‌ی مسوولان صندوق کودکان سازمان ملل متحد، به دلیل دشوارگذر بودن شماری از مناطق زلزله‌زده، کمک‌های نهادهای خیریه و دولت هنوز به مردم نرسیده است؛ مساله‌ی که نگرانی‌ها نسبت به امنیت جانی بیجاشدگان را بیشتر می‌کند. سرما و ناامنی نیز در شماری از مناطق کشور از جمله در ولایت بدخشان سبب شده تا نهادهای مدد‌رسان نتوانند به بیجاشدگان و زخمی‌شدگان این حادثه‌ی طبیعی دسترسی داشته باشند.

تلفات و خسارات ناشی از زمین‌لرزه‌ی اخیر حتا ضمیر خفته‌ی طالبان را بیدار کرده و این گروه از افراد مسلح وابسته به خودش خواسته است تا در مناطق آسیب‌دیده دست به عملیات نظامی نزنند و مانع کار نهادهای امداد‌رسان هم نشوند. با این وجود، به نظر می‌رسد که حکومت افغانستان بیش از حد مصروف درگیری‌های نظامی با مخالفان مسلح شده و مسوولیت رسیدگی به وضعیت ناگوار آسیب‌دیدگان زمین‌لرزه‌ی اخیر را کم‌کم دارد فراموش می‌کند. در گذشته هم فساد و کم‌کاری در نهادهای دولتی موجب شده بود تا حکومت کمتر تحرک نشان داده و در اسرع وقت به سراغ آسیب‌دیدگان نرود، و یا هم بخش قابل توجهی از بی‌خان‌ومان‌شدگان و بازماندگان قربانیان حوادث طبیعی فراموش شده و کم‌کم‌ها به استفاده‌جویان و افراد زورمند برسد. از این نظر، وضعیت بیجاشدگان و آسیب‌دیدگان زمین‌لرزه‌ی اخیر به خصوص در شرایطی که زمستان در حال فرارسیدن است و سرما در مناطق سردسیر از حالا مستولی شده، نگران‌کننده‌تر از پیش می‌باشد و کسی هم به داد آنها نخواهد رسید. مردمی که اشرف غنی در جریان کارزارهای انتخاباتی‌اش وعده داده بود که ولایت آنها را به مرکز تجارت جهانی مبدل خواهد کرد، حالا از یکسو درگیر جنگ و بی‌ثباتی روبه گسترش‌اند و از سوی دیگر، طبیعت بی‌رحم هم حق زندگی بخور و نمیر از آنها را می‌گیرد. آیا ذره‌یی از وجدان و غرور در "حکومت وحدت ملی" باقی مانده است که کوچک‌نگاهی به فرودستان بدبخت و بی‌روزگار زیر فرمانش کند؟

# آیا حکمتیار بر می‌گردد؟

زیادی برای پیوستن مخالفان مسلح به روند صلح کردند، اما این جد و جهدا بجایی نرسیده و دامنه‌ی جنگ و خشونت با گذشت هر روز در حال بیشتر شدن است. پیوستن احتمالی حکمتیار به روند صلح در عین حال که این تلاش‌ها را تا حدی موثر نشان می‌دهد، بخشی از گروه طالبان را که خواهان گفتگوهای صلح با دولت کابل است بیشتر علاقمند می‌سازد.

حضور احتمالی حکمتیار در دولت کابل خالی از درد سر نخواهد بود. شمار زیادی از یاران پیشین او که زمانی به گونه‌ی کامل از دستورهای رهبرشان پیروی می‌کردند امروز از راه ایجاد روابط مستقلانه با گروه‌ها و حلقه‌های مخالف حکمتیار برای خودشان جایگاه و مقامی ساخته اند و به نظر نمی‌رسد که به سادگی سرباز او شده و از امر و نهی "امیر" پیشین‌شان پیروی کنند. از سوی دیگر، حکمتیار رقبای قدرتمند و سرسختی در "حکومت وحدت ملی" دارد؛ آنهایی که او در هر سخنرانی و مصاحبه‌اش زیر نام "شورای نظار" به باد انتقاد می‌گیرد.

در حال حاضر، بودن و نبودن حکمتیار در کنار دولت کابل درد بزرگی را درمان نمی‌کند، اما اگر در آینده‌های دور و نزدیک برنامه‌های استخباراتی جدیدی در افغانستان عملی شوند، ممکن است نقش سوخته‌ی او احیا شود و به درد بازیگران بزرگ و یا حامیان منطقه‌ی‌اش بخورد.

**حضور احتمالی حکمتیار در دولت کابل خالی از درد سر نخواهد بود. شمار زیادی از یاران پیشین او که زمانی به گونه‌ی کامل از دستورهای رهبرشان پیروی می‌کردند امروز از راه ایجاد روابط مستقلانه با گروه‌ها و حلقه‌های مخالف حکمتیار برای خودشان جایگاه و مقامی ساخته اند و به نظر نمی‌رسد که به سادگی سرباز او شده و از امر و نهی "امیر" پیشین‌شان پیروی کنند. از سوی دیگر، حکمتیار رقبای قدرتمند و سرسختی در "حکومت وحدت ملی" دارد؛ آنهایی که او در هر سخنرانی و مصاحبه‌اش زیر نام "شورای نظار" به باد انتقاد می‌گیرد.**

**در حال حاضر، بودن و نبودن حکمتیار در کنار دولت کابل درد بزرگی را درمان نمی‌کند، اما اگر در آینده‌های دور و نزدیک برنامه‌های استخباراتی جدیدی در افغانستان عملی شوند، ممکن است نقش سوخته‌ی او احیا شود و به درد بازیگران بزرگ و یا حامیان منطقه‌ی‌اش بخورد.**

منصبی دست و پا کنند. حزب اسلامی‌یی که زمانی حکمتیار "امیر" تام و تمام‌اش بود امروز به چند شاخه تقسیم شده و تنها بخشی از این حزب در دستان او باقی مانده است؛ شاخه‌یی که همچنان بر طبل جنگ و جهاد علیه "اشغالگران" می‌کوبد. اما شاخه‌ی حکمتیار هیچ جبهه‌ی قوی و نیرومند در گوشه و کنار کشور ندارد و هنوز دست به هیچ عملیات گسترده و تهاجمی علیه اهداف دولت افغانستان نزده است. او دیگر در نظامی‌گری و جنگ چیز زیادی برای گفتن ندارد و از این نظر، در سیاست هم از شانس چندانی برای چانه‌زنی با دولت ایالات متحد آمریکا و حکومت کابل برخوردار نیست. حکمتیار حالا درک کرده است، تنها راهی که می‌تواند عمر سیاسی‌اش را بیشتر کند، چنگ‌زدن بر ریس‌مان دیپلماسی و مذاکره با طرف‌های درگیر بحران در افغانستان است. این تلاش‌ها می‌تواند حکمتیار را از فهرست سیاه ایالات متحد آمریکا بیرون کرده و به او جان تازه ببخشد. افزون بر این، حکمتیار از امتیاز سهم‌گیری در دولت افغانستان هم بهره‌مند می‌شود؛ اگرچه این سهم‌گیری او را راضی نخواهد کرد.

ادغام احتمالی گلبدین حکمتیار در "حکومت وحدت ملی" برای امریکایی‌ها یک موفقیت به حساب خواهد آمد. در چند سال اخیر دولت واشنگتن تلاش‌های

برخی منابع نزدیک به طالبان و حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار، از دیدار چهار ماه پیش دو دختر او با نانسی بایدن، دیپلمات امریکایی در سفارت واشنگتن در کابل پرده برداشته اند. بنابر ادعای این منابع، بانوی امریکایی به دختران حکمتیار گفته است که کشورش حاضر است او را از فهرست سیاه بیرون کند و او میتواند به گونه‌ی موقت پناهندگی سیاسی عربستان سعودی را بدست آورد، مشروط بر اینکه حکمتیار دست از جنگ با دولت کابل کشیده و از طریق نماینده‌ی قابل اعتمادی که به عنوان رهبر حزب اسلامی تعیین می‌کند، با "حکومت وحدت ملی" همکاری کند.

این رویکرد حکمتیار که برخی منتقدان او از آن به عنوان "دیپلماسی زنانه" یاد کرده اند، نشان می‌دهد که رهبر حزب اسلامی حالا سعی دارد با راه و روش مورد پسند امریکایی‌ها باب گفتگو با آنها را باز کند تا اگر ممکن باشد سودی بدست آید. حکمتیار در چند سال گذشته خواهان راه‌اندازی "گفتگوهای بین‌الافغانی" بوده و مذاکرات صلح با ایالات متحد آمریکا را رد کرده است. امریکایی‌ها اما بیشتر روی پیوستن طالبان به روند صلح تمرکز داشته اند؛ گروهی که از حضور نظامی قدرتمند در نبرد افغانستان برخوردار است. حالا که امریکایی‌ها و گلبدین حکمتیار حاضر اند باهم گفتگو کنند، به این معنا است که تغییری در رویکردهای هر دو طرف پدید آمده است.

گلبدین حکمتیار از منزوی‌ترین رهبران جهادی است که در تمامیت‌خواهی و خشک‌فکری مشهور است. این ویژگی شخصیتی او سبب شده تا بسیاری از یاران هم‌فکر و همراهش از او جدا شوند و با پیوستن به دولت کابل برای خود مقام و

## نقش پای روس‌ها در...

انگلیس برای حفظ این جغرافیا در اواخر قرن ۱۹ به شمار می‌آید، پس از نشانی سرحدات این کشور توسط هیئت‌های امور سرحدی روس و انگلیس به گونه‌ی ضمنی با توافق روس‌ها در این سرزمین حکومت کرد. پس از این توافقات است که این جغرافیای سیاسی به گونه‌ی ساختگی رسمن عرض وجود می‌نماید. امیرحیبی الله بر مبنای مفاد قرارداد ۱۹۰۷ میان روس و انگلیس مورد تایید هر دو قدرت قرار گرفت. مقاومت امان الله در برابر انگلیس از جانب روس‌ها حمایت مالی-تسلیماتی و فرهنگی گردیده و برنامه‌ی براندازی او از جانب انگلیس‌ها هم بر مبنای خصومت او با انگلیس و دوستی وی با کرملین راه اندازی گردید. نادر که به حمایت ضمنی انگلیس‌ها به قدرت رسید، در سال ۱۹۳۱ ناگزیر به امضای معاهده‌ی بی‌طرفی با اتحاد شوروی گردید.

محمدظاهر و داوود پسران کاکا، هر دو قربانی سیاست توسعه‌طلبی اتحاد شوروی در اواخر قرن بیست گردیده و فاجعه‌ی ۷ ثور ۱۳۵۷ را زمینه‌سازی و یک سال بعد پای قشون سرخ را به کابل رساندند. جهادی‌ها با آنکه بر مبنای

از ماورای جیحون به انگلیس‌ها تسلیم و بار دیگر پس از قریب به پنج سال اسارت در لودیانه و دادن امتحانات و زندگی با مستمری انگلیس تاج و تختش را اما این بار به کمک انگلیس‌ها بدست آورد.

سرداران بارکزایی که به عنوان کارت برنده در بازی بزرگ قرن ۱۹ روی دست سیاستگران انگلیس و روس جا بدل می‌کردند، یک‌دست آن‌ها در دست روس‌ها و دست دیگر شان در دست انگلیس‌ها قرار داشت. روس‌ها برای زیر فشار قراردادن امیر شیرعلی از مهمان‌اش عبدالرحمان که به شکل مهره‌ی ذخیره در تاشکند نگهداری می‌شد، استفاده و شیرعلی را بر ضد انگلیس تشویق و برای بار دوم پای ارتش مهاجم انگلیس را تا شمال کابل کشانیده و سرانجام وی با خفت و خواری در آن راه زندگی اش را از دست داد.

پس از مرگ شیرعلی، روس‌ها با محمد یعقوب فرزندش مراوده را حفظ و با ایوب خان در هرات با فرستادن مشاوران نظامی در مقابل انگلیس همکاری کردند. عبدالرحمان که گزینه‌ی

ایدئولوژی ضدکمونیستی از جانب غرب و متحدان منطقوی‌اش آرایش داده شده بودند، بخش بزرگ آن بنا بر موجودیت ساختار قومی همگون با مردمان آسیای مرکزی ناگزیر به چشمداشت از کرملین گردیدند. این سیاست در اوج جنگ سرد و مقاومت علیه تهاجم ارتش سرخ آغاز و به تدریج به ویژه در جریان شکل‌گیری امارت اسلامی که با رویکرد غلیظ قومی اما در ظاهر با استتار آن از سپر ایدئولوژیک بهره می‌گرفت، بخش اکثریت نخبگان سیاسی و جهادی را ناگزیر به درخواست کمک از روسیه کرد. روس‌ها که در این روزها شدیدن زیر فشار هیاهوی دهشت افغانان داعشی قرار گرفته و از ناحیه‌ی جنوب کشورشان در تشویش هستند، در مبارزه ضد تروریسم دینی هماکنون در خاورمیانه خط مقدم جبهه‌ی جنگ را تشکیل می‌دهند. درخواست کمک توسط سران "حکومت وحدت ملی" از آن کشور و کشیدن پای روسیه به مبارزه‌ی ضد تروریسم در کشور باوجود حضور ایالت متحد آمریکا و ناتو یقینن بازی پیچیده‌ی دیگر را در آسیای مرکزی به راه خواهد انداخت، که هزینه‌ی سنگین آن فقط و فقط با خون، ویرانی و خشونت همراه بوده و تنها لایه‌ی خاص از آن سود خواهد برد.

ادامه دارد

## پیرامون جنگ...

و دفاعی به مرحله‌ی تعرض بر نیروهای دولتی و همکاران بین‌المللی آن وارد گردیده و یا این رویدادها، به گونه‌ی تصادفی و به شکل محدود و آن هم در ساحاتی که پایه‌ی اجتماعی-هویتی طالبان نیرومند است، گاهگاهی بروز می‌نماید؟ اگر این مساله که این تهاجمات تصادفی و به گونه‌ی محدود و در ساحات خاص به میان می‌آید، یک موضوع و اما در غیر آن کاملن قابل توجه و اضطراب‌آور است.

اعتقادات و باورهای جنگی طالبان را باورهای دینی و تمامیت‌سازی قدرت قومی تشکیل داده و از منابع تمویلی نامرئی اكمال می‌گردد. در این میان باورهای فرهنگی جنگجویان اردو و هم پیمانان بین‌المللی آن یک نوع ماموریت رسمی دولتی و قراردادی بوده که علاوه بر پاداش مادی و مزد ماهوار، از یک نوع لیبرالیسم، دموکراسی و حکومت لنگ‌ها و بیماران هم حمایت صورت می‌گیرد.

تاکتیک جنگی طالبان که بر تهاجم گروهی و آتش پر حجم و در اتکا به همیاری ستون پنجم استوار است، نیروهای امنیتی را در سرتاسر کشور به چالش کشانیده است. برنامه‌ی گویا شهادت‌طلبی و انتحار که با لشکر بین‌المللی اسلام سیاسی طالبان را حمایت معنوی و فزیزی می‌نماید، در افزایش مورال جنگی طالبان نقش اساسی دارد، اما ابزار تخنیکی و نیروی هوایی موثر دولت به ویژه در شرایط خاص و دقایق نود، به خوبی آن تاکتیک‌ها را خنثا و دفع می‌نماید.

به نظر می‌رسد، طالبان از تهاجم بر قوت‌های نظامی دولتی، با اهداف اكمال و بدست آوردن لوازم جنگی، غارت مال و منال، نابودی نیروهای رزمی دولت و به ویژه کشتار وحشتناک، ویرانی، سوختاندن و تجاوز جنسی و سربریدن برای کاهش روحیه‌ی مقاومت و ایجاد روحیه تسلیم‌طلبی استفاده می‌نمایند.

در جریان این سال‌ها طالبان هیچ‌گاه برای حفظ نیروهای شان در جریان جنگ توجه جدی نکرده و اما به کمبود نیرو نیز مواجه نبوده و حتا ابتکار عمل و تعیین نقاط هدف را هم در چنگ گرفته و دولت کابل را در موضع تدافعی قرار داده است. عملیات رزمی دولت همواره دفاعی و در سرحد نهایی تا مرزهای

سرکوب رسیده، اما هیچ‌گاه در صدد نابودی نیروهای دشمن گام بر نداشته است. تاکتیک‌های رزمی طالبان به ویژه مین‌گذاری، انتحار و عملیات چریکی غافلگیرانه در بسیاری موارد نیروهای دولتی را غافلگیر کرده است.

شبکه‌ی سرتاسری نیروی نظامی دولت که علاوه بر مراکز شهرها، ولسوالی‌ها، بسیاری از نقاط کلیدی مثل گردنه‌ها، پل و پلچک‌های مهم، شاهراه‌ها، اماکن و حتا برای حفظ امنیت افراد و اشخاص وابسته به نظام پخش و توزیع گردیده است، آسیب‌پذیرتر از دشمن است. طالبان واحدهای چریکی خود را با القای اعتقادی، تمرکزدهی، ردیابی و تثبیت نقاط آسیب‌پذیر و سرانجام حملات برق آسا و ناگهانی وارد میدان و به تعرض دست می‌زنند.

در کنار آن عملیات تخریبی کار روزمره‌ی جنگ طالبان را نشان می‌دهد. کار آمادگی و تدارک طالبان برای ورود به مرحله‌ی تعرض نهایت دقیق و بابرنامه بوده و این سبب می‌شود که دست‌های مخفی اما توانا به درک ماهیت این جنگ در پس آن قرار دارد. فرصت زمانی و ابتکار عمل برای طالبان مهم بوده اما برای نیروهای امنیتی کشور چندان مهم تلقی نمی‌شود. بنابراین، کار طالبان را عمل باید تعریف کرد و کار دولت را عکس‌العمل و آن هم عکس‌العمل نهایت پسیف و غیرفعال. نیروهای محلی طالبان که در کنار طالبان خارجی با دولت می‌جنگند، به اراضی جنگی کاملن آشنا بوده، اما این مشکل برای طالبان خارجی و افراد نو وارد دولت مشکلات جدی را به همراه داشته و از آن ناحیه آسیب‌پذیر می‌گردد. از آن سبب اربکی‌های محلی می‌توانند بهترین گزینه‌ی کمکی برای عملیات اپراتیوی در کنار نیروهای دولت به حساب آیند.

جنگ قندز نشان داد که طالبان برای مانور و پیشامدهای غیرمترقبه بخشی از نیروهایش را در پشت جبهه‌ی جنگ حفظ و در زمان مناسب آنرا وارد میدان جنگ می‌نماید. استراتژی طالبان عمدتاً بر تمرکز نیرو و عملیات انتحاری، انفجارات قوی و آتش پر حجم بر واحدهای مستقر اما ضعیف دولت عیار گردیده است. طالبان از قدرت مانور در سرتاسر کشور برخوردار گردیده است و حمله به قندوز و مانور در بغلان و یا غزنی، مرکزیت فرماندهی نیروهای امنیتی کشور را در یک وضعیت نامناسب روانی

قرار می‌دهد. سرعت در عقب‌نشینی و تغییر محل از تاکتیک‌های دیگر نیروهای جنگی طالبان است که در سرتاسر کشور از آن روش پیروی می‌نماید.

طالبان با وجود آنکه معتقد به تقدیر و چانس و بخت و طالع اند، اما برنامه‌ریزان کارکشته‌ی پشت‌پرده‌ی آنان، هیچ‌گاه عملیات جنگی و برنامه‌های انتحاری و انفجاری را بدون مطالعه و بررسی و یا آسیب‌شناسی روی دست نمی‌گیرند. طالبان در حالت ضعیف نیز از تاکتیک تعرض استفاده می‌نمایند، اما بعد از ضربه بر قوای دولتی، زود عقب‌نشینی کرده و با دفاع منظم خود را از ساحه‌ی تیر نیروهای امنیتی دور می‌سازند. در دوران آرامش و وضعیت غیرجنگی طالبان فعال‌تر از وضعیت جنگی بوده و برای ایجاد اختلال در خطوط ارتباطات نیروهای امنیتی به شدت کار می‌نمایند و در فرجام به نقاط آسیب‌پذیر نیروی امنیتی دست پیدا کرده و با انفجار و انتحار به آنان آسیب می‌رسانند.

دولت با استفاده از قرارگاه‌های مستحکم دژهای جنگی و طالبان با استفاده از مناطق کوهی که در روستاهای دوردست به شکل پراکنده درون قریه جات و آن هم عمدتاً درون اماکن شخصی هواداران پشتون آنان قرار دارد، عملیات جنگی را برنامه‌ریزی و یا برای نابودی و یا غرض سرکوب و برون‌راندن همدیگر از مناطق مورد نظر به سوقیات می‌پردازند. از نظر جغرافیایی جنگ میان قرارگاه‌های مستحکم جنگی دولت و ساحات پایگاهی طالبان، ساحه‌ی وسیع وجود دارد که برای کنترل آن هر روز و یا گاهگاهی منازعه صورت می‌گیرد. این مناطق را اغلب می‌توان ساحات جنگی اعم از حملات پارتیزانی و یا حملات منظم دولتی به شمار آورد. به هر اندازه در این ساحه‌ی مورد منازعه، نیروهای درگیر مسلط گردند، ابعاد کامیابی و موفقیت آنان را نشان می‌دهد، به ویژه این موضوع برای دولت نهایت ارزش‌مند می‌باشد.

حملات طالبان زمانی خنثا گردیده که نیروهای منظم دولتی با برنامه‌ی جنگی از زمین و هوا وارد کارزار گردیده و در نتیجه طالبان ناچار به عقب‌نشینی و از دست‌دادن ابتکار عمل گردیده اند. تحرک و جنگ و گریز از صفات برجسته‌ی جنگجویان طالب است. قدرت پایداری طالبان در هر دو طرف قابل توجه است. به ویژه سربازان مستقر در قرارگاه‌های جنگی شهادت‌بی‌نظیر از خود نشان داده اند. این شهادت فقط درون طالبان عرب‌تبار و یا خارجی‌ها قابل مقایسه با آنان است. ادامه دارد

## شبح شوم معامله و ترس...

این بار نیز هیچگونه اقدام عملی صورت نگرفت. سرانجام بتاريخ ۲۴ ماه میزان پس از آنکه آن مردم آگاهی یافتند که ۳ زن و ۵ مرد را بار دیگر طالبان به گروگان گرفته با هم پیمان کردند که دیگر زندگی‌بی بدینگونه ذلت‌بار را نمی‌پذیرند و تصمیم به اقدام بالمثل نمودند. اما این بار از آنجاییکه پشتون‌ها به گروگان گرفته شده بودند، ارگ به یک بار به حرکت در آمده و فردای آن، زیرنظر نماینده‌ی رئیس جمهور هیئت را به جاغوری اعزام و سرانجام به همکاری وکلای ولایت غزنی (سیدمحمد سجادی، خداداد عرفانی، محمدعلی عزیزاده و معاون امنیت داکتر شاه‌جهان) بتاريخ ۳۰ میزان با گرفتن امتیازات گونه‌گون و با توزیع پول هنگفت توانستند بتاريخ هشت عقرب پس از امضای معاهده‌ی نتگین گروگان‌های پشتون را تسلیم گردیده و گروگان‌های هزاره را هم‌چنان در اسارت گذاشته و به کابل برگردند.

جاغوری مقیم کابل تصمیم گرفته شد تا همه مقامات ذیدخل دولتی و رهبران سیاسی را از نزدیک دیده و موضوع زندگی دشوار مردم جاغوری را با آنان در میان گذارد، این تصمیم در جریان کار بود که فردای آن روز بتاريخ ۲۰ اسد بار دیگر، چهار نفر از مردم جاغوری اسیر و هر چهار تن توسط طالبان گردن زده شده و در کنار سرک رها گردیده بودند. موضوع به زودی به آقای نبیل و محمد محقق شریک و از آنان در مورد امنیت این مردم خواهان کمک گردیدند ولی بجنید کوه، جنجید گل محمد.

بتاریخ ۲۸ اسد داعشی‌ها در اطراف جاغوری مانور ۲۰۰۰ نفری انجام و به مردم زهرچشم نشان دادند. بتاريخ ۱۴ اسد گروگان‌گیری هزاره‌ها اما این بار با گرفتن ۱۳ نفر هزاره در ولسوالی زاری ادامه یافت. بار دیگر هیئت‌های اعزامی از جاغوری به کابل رسیده و از دولت خواهان کمک شدند، اما

و سپس با رحمت‌الله نبیل، رئیس عمومی امنیت ملی دیدار و از وی خواهان مساعدت گردیدند.

آقای نبیل با زبان خاص خودش گفت، اوضاع امسال برای شما چندان قابل تشویش نیست. ما در آن نواحی توسط سیتلایت مراقب اوضاع هستیم، ولی سال آینده از مسیر غوربند-بامیان، بهسود-دایزنگی، جاغوری-ارزگان از جانب داعشی‌ها و طالبان روی هزاره‌جات عملیات صورت می‌گیرد. علت این کار شان تاجایی که به امنیت معلوم شده گرفتن این منطقه هم سود و هم ثواب داشته و در عین حال بنابه خلع سلاح مردم آسان است. او وعده داد که ۵۰۰ نفر افراد خیزش مردمی را از لحاظ مالی تمویل می‌نماید. اما امروز که نهم عقرب است، از آن کمک تا حال خبری نیست.

بتاریخ ۱۹ اسد بار دیگر، ۵ نفر به نمایندگی از مردم جاغوری به کابل رسیده و در هماهنگی با شورای تصمیم‌گیری مردم

## برگی از تاریخ

### ششت سال پیش در شمال

"شاه محمود خان متهمان به حمایت از ابراهیم بیگ را در زیر قین و فانه قرار می‌داد، تا مجبور به اعتراف گردند. زنان مستور را در بندی‌خانه سرای جمشید خان (خان آباد) تحت نظر محافظان بیگانه نگه‌میداشت و از تجاوز به ناموس آنان جلوگیری نمی‌کرد. اسرا را به مجرد رسیدن به نزدش گلوله باران می‌نمود. حتا روزیکه در فضای آزاد روی سجاده برای ادای نماز نشسته بود و سی و یک نفر اسیر را آوردند، با انگشت اشاره کرد که اسرا را ببرند در مقتل و آن‌ها را بردند و علی‌الفور گلوله باران نمودند. میرزا محمد یوسف خان مدیر قلم مخصوص شاه محمود خان که در معیت او بود گفت که تعداد اعدام‌شوندگان در خان آباد از هفت صد نفر متجاوز بود.

شاه محمود خان یک هزار خانوار ترکمن‌زبان را به شمول زنان و طفلان و پیران محبوس و پیاده در زیر جلو یک قطعه سواران محافظ و قوه‌ی حشری زدرانی از خان‌آباد به کابل گسیل نمود و امر کرد که هر روز دو منزل طی نمایند. چون هوا گرم و فاصله منزلگاه تا ده میل بود، محبوسان پیر و علیل در روز اول سفر فقط توانستند که یک منزل بپیمایند. افسر محافظ از منزل نخستین "شوراب" شبانه توسط سواری به شاه محمود خان راپور داد که محبوسان نمی‌توانند پای پیاده روزی را یک منزل بیشتر بروند. شاه محمود خان امر فرستاد که طی‌کردن دو منزل در روز حتمی است و اگر محبوسی از پای بماند، کشته شود. روز دیگر افسر محافظ این امر را به عموم محبوسان گوشزد نمود و امر حرکت داد، هنوز در منزل دوم آق چشمه نرسیده بودند که سه نفر محبوس پیر و علیل از رفتار بماند و سواران محافظ قضیه را به افسر محافظ گزارش دادند. افسر به ناچار امر شاه محمود خان را تکرار کرد و سواران هر سه نفر را به گلوله‌ی تفنگ از زحمت زندگی نجات بخشیدند. البته شاه محمود خان در اصدار چنین امری آدم منحصر به فرد تاریخ نیست. قرن‌ها پیشتر چنگیزخان که به سمرقند مارش می‌نمود، چنین امری به قشون خویش صادر و گفته بود که حشری‌های بومی به غرض کشتن هموطنان سمرقندی خویش پیاده در جلو سپاه مغل حرکت کنند و اگر به پای سواره مغل نرسند کشته شوند. تفاوتی اگر بین این دو امر است اینست که چنگیز خان در قرن سیزده چنین امری صادر کرده بود و آن‌هم در مورد یک ملت مفتوحه و بیگانه، در حالیکه شاه محمود خان در قرن بیستم مرده‌ی چنگیز خان را احیا نمود؛ اما در مورد مردمی که خودش را هموطن آنان وانمود می‌کرد.

در هر حال این گروه بدبخت با چنین وضعی از خان آباد به کابل کشیده شده و در ناحیه‌ی بت‌خاک اسکان شدند. از آن به بعد ایشان در کارهای زراعتی اراضی ملاکان بزرگ به شمول املاک شاه محمود خان تحت بردگی و استثمار گرفته شدند تا نام و نشان شان برافتاد. در برابر تمام این وقایع محزن، جریده‌ی دولتی اصلاح در شماره‌ی ۷۲ ثور ۱۳۱۰ خویش آنقدر نوشت که در خان آباد یک عده اسرا اعدام و یک عده محبوس و یک عده در کابل فرستاده شدند. وقتی‌که حشری‌های زدرانی از خان آباد به کابل برگشتند، نادر شاه شخصن آن‌ها را در قصر سلطنتی دلگشا، پذیرفت و برای آنکه حشری‌ها در آینده با انجام چنین عملیاتی تشویق شده باشند به هر یک از مجروحین جنگ انعام نقدی و امر تدای بخشید، برای عایله‌ی کشته‌شدگان حشری معاش مستمری مقرر نمود و برای دیگران پول خرج و سوغاتی عطا کرد."

منبع: افغانستان در مسیر تاریخ، اثر میر غلام محمد غبار، جلد دوم، چاپ چهارم، ۱۳۹۴، کابل: میوند، صص ۷۸ و ۷۹

کوهبندی

## گزارش از ولسواله‌ جاغوری

# شبح شوم معامله و ترس بر فراز جاغوری



جاغوری در مورد استقرار کنگد اردوی ملی برای حفاظت از جان و امنیت مردم و دفاع از منطقه، تجهیز قوماندانی محلی پولیس، دفاع از خیزش مردمی، رهایی گروگان‌ها و به ویژه امنیت راه‌ها و در آن میان امنیت دشت مرگ به داکتر عبدالله، معاونان وی، معاون رئیس دولت، وزرای دفاع، داخله و امنیت تقدیم گردید.

به تعقیب آن، معامله‌ی گروگان‌ها با ۱۹ نفر، و سردرگمی سرنوشت ۱۲ نفر علاوه بر گروگان‌های دیگر، مردم جاغوری را به اهداف دولت مشکوک‌تر ساخت. بتاريخ ۱۹ جوزا بار دیگر ۴ نفر که از جمله آنان دو نفر زن هم در آن شامل بود، در ناحیه‌ی رسنه گروگان گرفته شدند. شورای تصمیم‌گیری مردم جاغوری به زودی موضوع را به شورای امنیت، امنیت ملی و وزارت‌های امنیتی گزارش داده و از آنان خواهان همکاری در زمینه گردیدن. این اولین بار نبود که برخلاف همه شئون امنیت ملی و نزاکت‌های اجتماعی زنان را گروگان می‌گرفتند. به ادامه‌ی آن بتاريخ ۲۷ جوزا بار دیگر دو نفر از اهالی مردم جاغوری را در دشت مرگ قره باغ، به گروگان گرفتند. پس از این حادثه، بتاريخ ۲۸ جوزا قریب به پنجاه نفر را به گروگان گرفته و خواهان پول از ورثای آنان گردیدند. این پول را طالبان "شیرینی ماه رمضان" نام‌گذاری کرده بودند.

در همین روز مردم جاغوری تصمیم گرفتند تا عده‌یی از افراد مجرب و نخبه به منطقه رفته و در زمینه‌ی دفاع مردم را مشوره داده و آمادگی بگیرند، ولی این کار توسط آقای خلیلی رد گردید و اقدامات دولت را در مورد امنیت راه‌ها هم یکی از متحدين آن که وکیل پارلمان است، رد کرده و ناکام گذاشت.

بتاریخ ۳ سرطان مردم جاغوری هیئت‌هایی را به کابل اعزام، به ویژه این هیئت به مدت ۵ شبانه روز مهمان اتمر بوده و وی را در جریان وقایع جاغوری قرار داد، اما آب از آب تکان نخورد. بتاريخ ۲ اسد بدون آنکه دولت کوچک‌ترین آمادگی برای حفظ امنیت مردم گرفته باشد، از طریق دستگاه امنیتی‌اش مردم جاغوری را اطلاع داد که مراقب حملات داعش در منطقه باشند. بتاريخ ۶ اسد شورای تصمیم‌گیری مردم جاغوری با معاون امنیت ملی غزنی...

خواهان کمک در زمینه گردیدن. اما رهایی گروگان‌ها و امنیت مردم همچنان در حاله‌یی از ابهام باقی ماند. اعضای شورای تصمیم‌گیری بتاريخ ۲۴ حوت معاون آقای غنی و یک روز بعد آن در حالیکه در ساحه‌ی غزنی بار دیگر از مردم جاغوری گروگان‌گیری صورت گرفته بود، با وزیر داخله و سرپرست وزارت دفاع دیدار و در زمینه‌ی ورود، و محل زندگی داعشی‌ها و همکاری ساکنان محلی با آنان تفصیلی معلومات دادند.

به تعقیب آن سرپرست وزارت دفاع در زمینه دیده شد، با امنیت و مقامات تاثیرگذار آن که هیچگاه رابطه قطع نبود. مردم خواهان کمک و آنان وعده‌های دروغ می‌دادند. در جریان همین دیدارها بود که ۵ نفر تاجر دیگر بتاريخ ۲۸ حمل توسط طالبان در اجرستان به قتل رسیدند و آوازه شد که ستون پنجم طالبان داعشی‌ها به طالبان و داعشی‌ها توصیه کرده تا هزاره‌ها را گروگان گرفته و از آن طریق زمینه‌های آزادی اسرای شان را از دست دولت فراهم نمایند. بتاريخ ۲ ثور پارلمان، اتمر را به کمک داعشی‌ها متهم کرده و زمزمه‌ی انتقال جغرافیای جنگ به شمال به ویژه تا تاریخ ۹ ثور جدی گردید. در همین روزها بنابه گزارش یک منبع موق طالبان و داعشی‌ها زیر عنوان و پوشش نیش‌زدن تریاک به همکاری غیرمستقیم ستون پنجم گروه گروه از غرب، مرکز و شمال شرق به شمال کشور وارد می‌شدند.

بار دیگر، پس از ۱۲ حمل، بتاريخ ۱۷ ثور مطالبات مردم

بتاریخ ۲۸ اسد داعشی‌ها در اطراف جاغوری مانور ۲۰۰۰ نفری انجام و به مردم زهرچشم نشان دادند. بتاريخ ۱۴ اسد گروگان‌گیری هزاره‌ها اما این بار با گرفتن ۱۳ نفر هزاره در ولسوالی زاری ادامه یافت. بار دیگر هیئت‌های اعزامی از جاغوری به کابل رسیده و از دولت خواهان کمک شدند، اما بار دیگر هیچگونه اقدام عملی صورت نگرفت.

سرانجام بتاريخ ۲۴ ماه میزان پس از آنکه آن مردم آگاهی یافتند که ۳ زن و ۵ مرد را بار دیگر طالبان به گروگان گرفته با هم پیمان کردند که دیگر زندگی بدینگونه ذلت‌بار را نمی‌پذیرند و تصمیم به اقدام بالمثل نمودند. اما این بار از آنجاییکه پشتون‌ها به گروگان گرفته شده بودند، ارگ به یک بار به حرکت در آمده و فردای آن، زیر نظر نماینده‌ی رئیس جمهور هیئت را به جاغوری اعزام و سرانجام به همکاری وکلای ولایت غزنی (سیدمحمد سجادی، خداداد عرفانی، محمدعلی علیزاده و معاون امنیت داکتر شاه جهان) بتاريخ ۳۰ میزان با گرفتن امتیازات گونه‌گون و با توزیع پول هنگفت توانستند بتاريخ هشت عقرب پس از امضای معاهده‌ی ننگین گروگان‌های پشتون را تسلیم گردیده و گروگان‌های هزاره را هم‌چنان در اسارت گذاشته و به کابل برگردند.

در جریان تبلیغات انتخاباتی در سال ۱۳۹۳ غنی و عبدالله هر دو برای جذب یک صد و بیست هزار رای مردم ولسوالی جاغوری، گذشته از همه وعده‌های رنگین، موضوع تعدیل واحدهای اداری و در آن میان مساله‌ی ولایت‌شدن جاغوری و امنیت مردم آن را بخشی از برنامه‌ی کاری حکومت شان بر می‌شمردند. مردم ولسوالی جاغوری چهارده سال زندگی را پس از بن اول تا امروز با امید و اضطراب اما با حمایت قاطع در کنار دولت ایستاده اند.

ناگفته نماند که در جریان حکومت سیزده ساله‌ی رئیس جمهور پیشین، جمعیت حدود سه صد هزار نفری این ولسوالی در حواشی آن ناچار به از دست‌دادن منطقه‌ی وسیع اوتی، باغوجاره، سیرو و غیره گردید و این مدت را با دادن ده‌ها گروگان، شهید، آدم‌ربایی و از دست‌دادن مال و اموال منقول و به ویژه وسایط مسافری با اضطراب و دغدغه سپری کردند. از دوازده برج (۱۲ ماه) "حکومت وحدت ملی"، بخش وسیعی از مردم ولسوالی جاغوری نه برج (۹ ماه) آنرا از ترس حملات داعش و طالبان در کوه‌ها به سر برده و با دست خالی آمده‌ی دفاع از عزت و کرامت انسانی‌شان بوده اند. اما در این روزها آن وعده‌های بلند بالا را گاو خورده و آب برده است.

بتاریخ ۴ حوت ۳۱ نفر که اکثریت آنان از همین مردم بود، توسط داعشی‌ها و همکاران محلی از مسیر راه کابل-قندهار به گروگان گرفته شدند. در همان تاریخ دستگاه امنیتی دولت از مردم جاغوری خواست تا آمده‌ی دفاع از خود شده و مراقب حملات داعشی‌ها بر منطقه باشند. مردم جاغوری شب هولناک ۵ حوت را که بسیاری از اطفال، زنان و کهن سالان در قله‌های پربرف بسر کرده و آسیب شدید مالی و جانی را متحمل گردیدند، هرگز فراموش نمی‌کنند. فردای آن روز شورای تصمیم‌گیری مردم جاغوری مقیم کابل موضوع را طی گزارش کتبی به اطلاع مقامات ذی‌ربط دولتی قرار دادند، آنها وعده دادند که در آجنده‌ی جلسات شورای وزرا و امنیت آن را قرار می‌دهند، اما این وعده‌ها، پس از آنکه تعقیب گردید، دروغی بیش نبود.

با معاون ریاست اجراییه برای بار دوم بتاريخ ۱۱ حوت موضوع در میان گذاشته شد، با معاون امنیت ملی با تمام جزئیات روی موضوع صحبت گردید. بتاريخ ۱۲ حوت (روزیکه حملات نمایشی روی داعشی‌ها صورت گرفت) با آقایان خلیلی و داکتر عبدالله جمعیت وسیعی از مردم جاغوری دیدار و از دولت

## نقد اجتماعی

### بر گستاندن پناهجویان، بر نامه‌ی ناقص

توماس دمزیو، وزیر داخله‌ی آلمان روز چهارشنبه، ۶ حوت گفته است که تقاضای برخی از پناهجویان افغانستانی که خودشان را از مناطق نسبت امن این کشور به آلمان رسانده اند، غیرقابل قبول است و از جوانان خواسته که در کشورشان بمانند و آنرا از نو بسازند. وی گفت: دولت آلمان کسانی را که پرونده‌های شان بعد از بررسی، رد می‌شوند، دوباره به افغانستان برمی‌گرداند. اما این برنامه از سوی برخی سازمان‌های ملی و بین‌المللی مورد انتقاد شدید قرار گرفته است.

گوتتر بورکهارت از سازمان "پرو ازول"، روز یکشنبه (۲۵ اکتوبر/۳۱ حوت) به خبرگزاری فرانس پرس گفت: "از دیدگاه ما افغانستان در حال نزدیک شدن به لبه‌ی پرتگاه است. پس فرستادن انسان‌ها به افغانستان در چنین وضعیت غیرقابل قبول است. این کشور در حال فروپاشی است و این که درخواست‌های پناهنده‌ی تعداد زیادی از آوارگان افغان در آلمان پذیرفته می‌شود، بی‌دلیل نیست." و همین طور تعداد زیادی از سازمان‌های حقوقی جهان، این کار را غیرقانونی و در تضاد با کنوانسیون حقوق پناهنده‌ی خوانده اند. این درحالیست که وزیر امور مهاجران و عودت‌کنندگان کشور نیز برای پس گرفتن مهاجران برگشت‌خورده اعلام آمادگی کرده است.

حدود پانزده هزار پناهجوی افغان خودشان را به خاک آلمان رسانده اند؛ آنان بعد از پشت سر گذاشتن هزاران مشکل و حتا برای دستیابی به زندگی بهتر و امن‌تر از جان شان مایه گذاشته و خودشان را به کشورهای خارج رسانده اند و اکنون نیز موجی عظیمی برای رسیدن به خاک اروپا در حرکت اند.

افغانستان کشوری است که هر روز در گوشه و کنار آن جنگ، کشتار، انتحار، انفجار، جان ده‌ها انسان بی‌گناه این سرزمین را می‌گیرد و بنیادگرایی و خشونت در گوشه‌گوشه‌ی آن به چشم می‌خورد. فقر، بیکاری و گرسنگی در چهره‌های مردمان این دیار موج می‌زند و جوانان برای یافتن لقمه‌ی نانی هر نوع مشکلات را به جان می‌خرند. در چنین وضعیت آیا درست است که دولت آلمان پناهجویان افغانستانی را دوباره به کشورشان برگرداند؟

درست است که افغانستان به جوانان و نیروی انسانی نیازمند است و نباید سرمایه‌ی انسانی این کشور که چشم امید آینده به آنان دوخته شده است، از کشورشان فرار کنند. اما آنچه واقعیت دارد اینست که دولت آلمان باید بدانند، وضعیت سیاسی در افغانستان بی‌ثبات، وضعیت اقتصادی شکننده و وضعیت اجتماعی این کشور نیز آشفته است، در چنین شرایط اگر آوارگان افغانستانی به کشورشان برگردند، هیچ تغییری در وضعیت کنونی نخواهند آورد. از طرف دیگر، دولت نیز برای کسانی که برگردانده می‌شوند نیز برنامه‌ی مدون و موثری ندارد. در این صورت برگرداندن آنان چگونه قابل توجیه است؟ درحالیکه ناامنی، فقر، بیکاری، گرسنگی و هزاران مشکلات دیگر دانشگاهی مردمان این دیار است و حکومت افغانستان نیز برنامه‌های موثر برای رفع این آسیب‌های اجتماعی و ایجاد رفاه اجتماعی ندارد، چگونه از پس‌گیری پناهجویان‌اش اعلام آمادگی می‌کند؟

به نظر من آنچه مهم است اینکه دولت آلمان باید وضعیت اجتماعی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اقتصادی افغانستان را درک کند و در مورد بازگستاندن پناهجویان افغانستانی تجدید نظر کند، و "حکومت وحدت ملی" نیز برای جوانان طرح‌های عملی و موثری را در بخش اشتغال‌زایی، فقرزدایی، ایجاد صلح و امنیت و رفاه اجتماعی روی دست گیرد، در غیر آن جوانان این کشور رخت سفر خواهند بست و نیروی انسانی‌یی که در مدت سیزده سال با سرمایه‌گذاری هنگفت دولتی به پانددگی و تخصص رسیده اند، ضایع و کشور بار دیگر به لبه‌ی پرتگاه و فروپاشی قرار خواهد گرفت.